

مکرون بیا پاریس سرمون درد گرفت

محمد امین

میمندیان

۱. باغ وحش دموکراسی

بعد از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، ملت یک جوری ریختند وسط خیابان و شهر را به آشوب کشیدند که خود آمریکا اولش فکر کرد این اتفاق در یک کشور دیگری در خاورمیانه رخ داده و می‌خواست علیه سرکوب اغتشاشگران بیانیه صادر کند. هنوز بیانیه را پرینت نکرده بودند که دیدند از طبقه پایین کنگره صدای جیغ و داد می‌آید. تازه فهمیدند قضیه داخلی‌تر از این حرف‌ها است. خود مردم آمریکا هم باورش‌شان نشده بود کجا آمده‌اند. آنقدر گیج می‌زدند که یکی جارو می‌برد، یکی مجسمه، یکی شاخ گاو روی سرش بود، یکی لخت بود. کسی هم که چیزی گیرش نیامد آجرها را گاز می‌زد. حجم وحشیگری ایام بعد انتخابات آمریکا آنقدر بود که میشد شیرین سه فصل راز بقا از تصاویرش تولید کرد. همه‌اش هم از برکت مهد دموکراسی است.

۲. مرگ بهتر است یا ثروت؟

۹۹ درصد کودکان آمریکایی در جواب علم بهتر از یا ثروت می‌نویند ثروت. یک دلپیش این است که بالاخره خیر سرشان در مهد سرمایه داری زندگی می‌کنند. اما دلیل دیگرش این است که علم آموزی ریسکش خیلی بالاست، یعنی آنجا بچه را که به مدرسه می‌فرستند؛ معلوم نیست بعد از ظهر خودش را می‌آورند یا خبرش را. در فیش حقوقی معلم‌ها یک بند حق گلوله وجود دارد. معلم نشسته سرکلاس می‌گوید ۱۰ گنجشک روی درختند سه تاییش را با تیر بزنیم چندتا می‌ماند؟ که یکهو یک دیوانه عقده‌ای اسلحه

به دست وارد کلاس می‌شود و به صورت عملیاتی مسأله را به دانش آموزان حالی می‌کند. نهایت پاسخ دولت مردانشان هم این بوده که «خب به معلمان هم اسلحه بدهید»

۳. جاستین گورکن

در روزگاری که مد بود غرب گرایان همگی عکس جاستین ترو دورا استوری کنند و جوری قربان صدقه‌اش بروند که مادرش هم نرفته بود، خبر رسید که چند گور دسته جمعی از دانش‌آموزان در کانادا کشف شده. با انتشار این خبر کرک و پر هرچه داعشی و تکفیری و جانی بود ریخت و همگی ده دقیقه به افتخار کانادا ایستاده کف زدند. کم کم تعداد گورهای کشف شده انقدر بالا رفت که گلدان خانه را هم خالی می‌کردی یک تکه استخوان آدمیزاد از آن بیرون میفتاد. سازمان‌های حقوق بشری هم که تا پیش ازین حاضر بودند ناهار نخورند ولی علیه وضع حقوق بشر در ایران بیانیه صادر کنند؛ در این مورد آنچونان چشم و گوش‌شان را بستند که مرحوم هلن کلر پیش آنها متخصص بینایی سنجی و شنوایی سنجی محسوب می‌شد.

۴. جاسوس خانگی

کلا آدم در هرکاری نباید ادعا کند. حتی اگر خبره آن کار هم باشی بعد از ادعا کردن دقیقاً اتفاقی‌هایی می‌افتند که آبرویت می‌رود. چه برسد به اینکه ادعایت طبل تو خالی باشد. مثل سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل که ادعای تیزبینی‌شان پلان خرا را پاره می‌کند اما خدمتکار

وزیر جنگ‌شان جاسوس ایران بوده. یعنی جمهوری اسلامی کاری با مقامات اسرائیلی کرد که حتی جرات نکنند برای پسرشان خواستگاری بروند. حالا خدمتکار آدم جاسوس باشد را می‌شود جوری رفع و رجوع کرد ولی اگر عروس آدم جاسوس از آب دربیاید، آبروی برای مادرشوهر نمی‌ماند.

۵. جر خوردن تناقض

چین، روسیه، آمریکا، انگلیس و فرانسه در بیانیه‌ای مشترک به توافق رسیدند که سلاح اتمی بد است و باید به سمت جهان عاری از سلاح اتمی حرکت کرد. ایشان در پاسخ به اینکه هرکدام چه تعداد کلاهک اتمی از چرخه تسلیحاتی‌شان خارج می‌کنند گفتند: «ما که هیچی». ایشان همچنین در پاسخ به اینکه پس فایده این توافق چی بود؟ نیز جواب دادند: فعلاً یقه ایران را می‌گیریم تا بعد.

نماینده فرانسه نیز در جواب این سوال که برداشت شما از این نشست چه بود؟ اعلام نمود که تنها سه توت فرنگی و یک چنگال و یک دکوری عتیقه برداشته است.

۶. آسپرین یمنی

عربستان و امارات و ائتلاف ضد یمنی‌شان بعد از چند روز درگیری با یمن و کلی جنایت و بمب ریزی به غلط خوردن افتادند و درخواست آتش‌بس نمودند. یکی نبود بهشان بگوید آخر لامصب علیه یمن ائتلاف تشکیل می‌دهی؟ سامورایی را از کارد آشپزخانه می‌ترسانی؟ شکست عربستان و رفقاییش با آن همه تجهیزات در مقابل یمن مثل این بود که بروسلی و همه غوداهاایش را با آسپرین از پا دریاوری... جان؟ ...بروسلی با آسپرین از پا درآمد؟ همین دیگر. هیچ چیز را نباید دست کم گرفت.

۷. مکرون بیا پاریس سرمون درد گرفت

در لبنان آنچونان انفجاری رخ داد که موجب موهای تن ما را هم کز داد. بعد وسط آنهمه آشوب و مرگ و میر و بهم ریختگی آقای مکرون رئیس جمهور فرانسه رفت لبنان و شروع کرد به انتقاد از دولت لبنان و اعلام کرد «اگر تا دو هفته دیگر اصلاحات سیاسی در لبنان انجام نشود خودم انجام می‌دهم.» بزرگوار نه که به پیرزن‌ها علاقه دارد، کلا در گذشته سیر میکند. هنوز فکر می‌کند قرن ۱۹-۲۰ است و دوران استعمار فرانسه. پدیرجان شما همان جلیقه زرد ها را جمع کن، خط زردی که تا لبنان کشیده‌ای را هم آب بگیر، لبنان را بسپار به اهلیش.